

رویکرد حل مسأله در گستره قرآن پژوهی

محمد رضا حاتمی^۱

چکیده

مطرح شدن پرسش‌های فراروی قرآن پژوهان، ایشان را ملزم به استفاده از یک روش پژوهش برای بهره‌مند شدن از آموزه‌های قرآن کریم می‌نماید؛ چرا که دستیابی به معانی و مقاصد آیات قرآن درگرو تفسیر آیات و تفسیر آیات، درگرو «روش تفسیر» است. در نوشتار حاضر روش گردآوری، دسته‌بندی و تحلیل آیات از طریق تفسیر موضوعی و با رویکرد حل مسأله مورد توجه می‌باشد. زیرا با این روش است که پژوهنده قرآنی، از همه آیاتی که موضوع یکسانی دارند در پی کشف نظریه قرآن کریم درباره یک مسأله برمی‌آید. بدین منظور مقاله حاضر دارای دو هدف است: نخست روش تفسیر موضوعی را با رویکرد حل مسأله تبیین کند و سپس بر اساس این رویکرد و گام‌های عملی آن، یک مسأله از مسائل اخلاقی را تا حصول نتیجه بررسی نماید.

کلیدواژه‌ها: تفسیر موضوعی، اخلاق پژوهی، رویکرد حل مسأله، عملیاتی‌سازی تفسیر، رشد اخلاقی.

۱. استادیار دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه شهید باهنر کرمان. mrhhatami@uk.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۵

مقدمه

کاوش‌های علمی و پژوهشگری در سه حیطه علوم تجربی، عقلانی و وحیانی می‌باشد. علوم تجربی برای شناخت پدیده‌ها، آن‌ها را به اجزای تشکیل‌دهنده و قابل مطالعه تقسیم کرده، تأثیر و تأثر آن‌ها را بر یکدیگر بررسی می‌کند تا به شناخت روابط میان پدیده‌ها و در نتیجه، پیش‌بینی وقوع‌شان در آینده بپردازد. آنچه از علوم عقلانی نیز برمی‌آید این است که فقط می‌تواند جهتی کلی به شکل سعادت یا شقاوت را برای جامعه بشری نوید دهد. در این میان، حوزه الهیات به معنای عام و معرفت دینی و وحی به معنای خاص، تکیه‌گاهی محکم برای پژوهشگری در مسائل بنیادین و عمیق می‌باشد. اما قرآن کریم به دلیل جایگاه ممتازش در میان منابع دینی و همچنین قابل حصول بودن معارف عمیقش بیشتر مورد توجه بوده است.

علامه طباطبایی به عنوان قرآن‌پژوهی معاصر، معارف قرآن را معارفی می‌پندارد که هر دانشمندی با تدبیر و بحث آن‌ها را درک نماید. (معارف و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۷) از همین جهت است که عالمان و اندیشمندان همواره سعی داشته‌اند با محور قرار دادن قرآن کریم، موضع‌گیری آسمانی در مسائل ژرف را در برابر تجارب بشری به دست آورند. ایشان بر این باورند که با استفاده از آموزه‌های وحیانی در قرآن کریم که ریشه در خاک ندارد و آسمانی است، می‌توان مسیر روشنتری را در اختیار بشر قرار داد. با وجود این سطح دسترسی به معارف قرآنی، دغدغه این است که قرآن کریم در ارتباط با موضوعات مختلف، دارای یک تقسیم‌بندی واضح و یک نقطه شروع خاصی نیست و حداقل این‌که از ظواهر آیات، چنین چیزی استفاده نمی‌شود. بنابراین با این پرسش اصلی مواجه می‌شویم که در فرایند قرآن‌پژوهی با چه روشی می‌توان به دیدگاه قرآن در خصوص موضوعی مورد ابتلاء دست یافت؟

برای دستیابی به پاسخ پرسش‌های پیرامون مسائل مهم زندگی از دیدگاه قرآن، می‌توان از رویکرد حل مسأله استفاده کرد. این روش، به دنبال یافتن داده‌هایی برای حل مشکل و راهنمای عمل است. در مطالعه‌ای که از رویکرد حل مسأله استفاده شده است، پژوهشگر با دغدغه ذهنی و درگیری مسأله محورانه، به دنبال حل آن مسأله توسط آموزه‌های قرآنی است. با این توضیحات، منظور از رویکرد حل مسأله در گستره قرآن‌پژوهی عبارت است از: کشف و استخراج دیدگاه قرآن درباره یک مسأله که در حیطه رسالت قرآن باشد. با این توضیح که، پژوهشگر ابتدا درگیر مسأله‌ای عمیق است و به گونه‌ای روشمند به تحلیل آن پرداخته تا بتواند به وسیله تبیین روشمند آیات مرتبط و با کمک گرفتن از دستاوردهای علوم، حل آن را از آیات قرآن کریم به دست آورد. بر این اساس، نوشتار حاضر دو هدف عمده را دنبال می‌نماید: هدف اول آن است که با نمایش گام‌هایی عملیاتی، روش حل مسأله پژوهشگری را به صورتی تبیین نماید که قرآن پژوهان بتوانند این روش را در پژوهش‌های خویش به کار گیرند. دومین هدف آن است که به شکل مطالعه موردی، یکی از مسائل قابل توجه در عرصه اخلاق را با رویکرد حل مسأله مشکل‌گشایی نماید.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به عنوان یک مطالعه تحلیلی - تطبیقی، در مرحله بررسی نوشتارهای مربوط به موضوع، دارای روش کار مروری و اسنادی است. در این بخش مروری بر منابع معتبر قرآنی و تفسیری در رویکرد حل مسأله و مؤلفه‌های آن انجام شده، با این هدف که گام‌هایی عملیاتی در پژوهش‌های قرآن‌محور مشخص گردد و ابعاد مهم آن با توجه به روش‌های تفسیر شناسایی شوند. گام بعدی بررسی نحوه استفاده از این رویکرد در عرصه اخلاق است. بدین منظور، اخلاق و مراحل رشدش مورد بررسی قرار گرفته و با توجه به روش تطبیقی، ضمن بررسی تفصیلی آیات اخلاقی قرآن کریم مطابق با گام‌های عملیاتی - پیشنهادی، محورها و مراحل رشد و تکامل اخلاقی نیز بیان می‌گردد. انتخاب اخلاق و بررسی مراحل رشد آن از این رو اهمیت دارد که اخلاق از دیدگاه اسلام، افزون بر آن که در کنار اعتقادات و احکام فقهی به عنوان یکی از سه پایه اساسی معارف دینی مطرح است، راه زندگی خداپسندانه، شیوه صحیح حرکت به سوی کمال نهایی و ارتباط با خدای متعال را تعلیم می‌دهد. هدف از این مطالعه تحلیلی آن است که یک تقسیم‌بندی آشکار در خصوص مراحل رشد و تکامل اخلاقی را تبیین نماید.

۱- تفسیر موضوعی

رویکرد حل مسأله زمانی روشمند است که قرآن پژوه مسأله را برای یافتن پاسخش مورد نظر دارد و از همین روی با تفسیر موضوعی شباهتی بسیار دارد. رویکرد حل مسأله در واقع از همان فنون و شیوه‌های تفسیر موضوعی بهره می‌برد و لازم است برای بیان این رویکرد، ابتدا تفسیر موضوعی را شرح داد. تفسیر موضوعی به معنای پرده‌برداری از منظور قرآن و استخراج دیدگاه‌های آن نسبت به یک موضوع می‌باشد. آیات نظیر و مرتبط در کنار یکدیگر قرار گرفته و بیش از آن که به فهم معانی واژه، جمله و آیه پرداخته شود، تئوری و نظریه خاصی تعقیب می‌گردد و قرآن پژوه به دنبال دستیابی به فهم دیدگاه قرآن نسبت به مسأله‌ای خاص است.

اما قرآن پژوهان در خصوص موضوع مورد پژوهش دو گونه نظر دارند. برخی معتقدند که موضوع درون متنی است، بدین معنا که مفسر از آغاز باید در پی عناوین و سرفصل‌هایی موجود در متن قرآن باشد و بکوشد آیات مربوط به آن را بررسی نماید. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷: ۲۰/۱) با این رویکرد هدف نهایی پژوهنده، دستیابی به دیدگاه قرآن درباره موضوعی از موضوع‌های مختلف در آن است. در اینجا تأکید بر استخراج دیدگاه قرآن نسبت به یک موضوعی است که در قرآن مطرح شده و محقق می‌کوشد از طریق جمع‌آوری و دسته‌بندی تمام آیات راجع به یک موضوع قرآنی، به مدلول یکایک آیات توجه کرده و دیدگاه قرآن را استخراج نماید. در رویکرد دوم، مفسر با مسئله‌ای از مسائل عینی و نیازهای فکری و اجتماعی موجود در خارج از متن قرآن مواجه است و با عرضه آن به قرآن، پاسخ آن را دریافت می‌کند. (صدر، ۱۴۲۱: ۱۷) در این رویکرد، قرآن پژوه کار خود را با آشنایی و فراگیری محصول تجربه فکری بشر آغاز کرده، سپس به سراغ قرآن رفته و هدف نهایی او دستیابی به نظر قرآن درباره موضوع مورد تجربه است. (مکارم شیرازی، همان)

در تفاوت این دو رویکرد باید اشاره کرد که در رویکرد درون متنی، هم موضوع از موضوعات مطرح در قرآن است و هم برداشت نهایی راجع به آن موضوع نیز در قرآن است که محقق آن را استخراج نموده است. اما در رویکرد دوم لزومی ندارد که موضوع از موضوعات مطرح، در قرآن باشد و می‌توان به هر موضوعی که قرآن کریم رسالت آن را به عهده دارد پرداخت. به هر حال در تفسیر موضوعی کشف معانی مفرد و شناخت مراد هریک از آیات هدف نیست. در تفسیر موضوعی، گزینش آیات مرتبط، کشف مفاهیم آیات، دسته‌بندی و سنجش بین آیات از جمله فعالیت‌هایی هستند که قرآن پژوه انجام می‌دهد تا به دیدگاه قرآن نسبت به موضوع منتخب دسترسی پیدا نماید. اما این مطلوب در سایه انتخاب یک سبک از سبک‌های متنوع حاصل می‌گردد. سبک‌های مختلف تفسیر موضوعی هر یک از زاویه‌ای به مطالعه دیدگاه قرآن درباره یک موضوع می‌پردازند.

۲- نقش دانش بشری

توانایی علمی و استفاده از نگرش دیگر دانشمندان نسبت به موضوع، قرآن پژوه را در استنتاج قرآن کمک می‌کند و به تعبیر شهید صدر، باعث می‌شود قرآن پژوه دارای نقشی فعال بوده و به مشاوره با قرآن بپردازد. مفسر از قرآن می‌پرسد و پاسخ را از آن دریافت می‌کند. (صدر، ۱۴۲۱: ۲۵) پژوهشگر در پی کشف پیام قرآن، بدون رأی خاص و با بیان پرسش‌هایی دقیق به سراغ قرآن می‌رود. همان گونه که قرآن پژوه، از سرمایه علمی فرهنگ و اندیشه اسلامی برخوردار است باید از اطلاعات وسیعی در حوزه نامبرده بهره‌مند باشد؛ زیرا طبیعی است که قرآن به لحاظ جامعیتش به علوم مختلف انسانی پرداخته باشد و روشن است که هر چه آشنایی مفسر در این حوزه‌ها وسیع‌تر و نگاه وی تخصصی‌تر باشد، او در استنتاج قرآن و بیان مفاهیم آیات تواناتر خواهد بود. همچنین از آنجا که تفسیر علمی در بخشی از آیات هستی‌شناختی، فهم دقیق‌تری را ایجاد می‌کند پرداختن به آن نیز ضروری می‌نماید. (نفیسی، ۱۳۹۵:

استفاده از دانش بشری در رویکرد حل مسأله سه دلیل و منطق دارد: ۱- دانش بشری به عنوان ابزاری تبیینی، برای استخراج دیدگاه قرآن در خدمت قرآن است. (تبیینی) ۲- دانش بشری توصیفی بر نظریه قرآنی است و نظر قرآن را به زبان روز شرح می‌دهد. (توصیفی) ۳- دانش بشری به واسطه قرآن تأیید شود و شواهدی از قرآن بر صحت و درستی یک موضوع جمع‌آوری شود. (تطبیقی)

بنابراین دستاوردهای دانش بشری مربوط به مسائل و موضوعات قرآنی، نقش اساسی در قرآن‌پژوهی داشته و به دو شکل در تفسیر موضوعی اثر می‌گذارد: اول آن که با نو شدن دستاورد بشری، مسائل تازه‌ای پیش‌روی قرآن‌پژوه قرار می‌گیرد و دیگر اینکه مفسر را در ارزیابی پاسخ‌های دریافتی کمک می‌کند. از این‌رو بر قرآن‌پژوه فرض است در عین حال که نباید از بیرون چیزی را بر قرآن تحمیل کند، بایستی آگاهی خود از تجربه‌ها و اندیشه‌های انسانی را توسعه بخشد، در باب مسائل مورد بحث دانش لازم را به دست آورد تا بهره بیشتری از قرآن کریم ببرد و افق تفسیرش گسترده‌تر شود. (ایازی، ۱۳۶۸: ۱۵)

۳- مراحل حل مسأله و پژوهشگری

بیان مراحل حل مسأله، مقدمه پژوهش است و ضمن جلوگیری از پراکندگی و دوباره کاری، موجب بالارفتن دقت در عملیات تفسیری می‌گردد. مراحل حل مسأله در واقع، همان تفکیک و مجزاسازی گام‌هایی است که پژوهشگر بتواند این مراحل را کاربردی نماید. مراحل حل مسأله در سه بخش معرفی شده‌اند:

۳-۱- مقدمات پژوهش

۱- مواجهه با یک مسأله: پژوهشگر با موضوعی مواجه است که پژوهش برانگیز بوده و البته قابلیت پژوهش را هم دارد اما در این گام، مسأله عام و کلی است. پژوهشگران موفق آن‌هایی هستند که ذهن مسأله‌یاب دارند. ۲- مسأله‌شناسی و تبیین آن: مسأله را به درستی درک کرده و بتواند به طور شفاف آن را تبیین نماید. بیان و شفاف‌سازی مسأله، دروازه برای ورود به میدان پژوهش می‌باشد. ۳- قرآنی بودن مسأله پژوهش: قرآن‌پژوه باید با ملاحظه رسالت و شأن قرآن کریم، مسأله‌ای را برگزیند که در حیطه موضوعات قرآنی باشد بدین معنا که موضوع مورد بررسی، در راستای مأموریت قرآن کریم و بیرون آوردن مردم از تاریکی‌ها به جهان نور باشد. موضوعی شایسته بررسی به عنوان تفسیر موضوعی است که ساختار کلی آن در پاره‌ای از آیات به گونه‌ای روشن آمده باشد و در برخی آیات، حقیقت مذکور در سطح عمومی و اجمال ولو به صورت مصداق بیان شده باشد، به طوری که روح کلی موضوع را تقویت کند. همچنین با یکی از سه موضوع کلان معارف قرآنی (اعتقادات، اخلاقیات و احکام) مرتبط باشد. ۴- عنوان‌سازی: عنوان باید به گونه‌ای صریح و روشن باشد که به دور از هر گونه ابهام و پیچیدگی، شناختی دقیق از مسأله را ارائه نماید. هرچه عنوان دقیق‌تر، با محدوده و اوصاف مشخص‌تر نوشته شود، باعث پرهیز از پراکنده‌گویی و جمع‌آوری صرف مطالب می‌شود. ۵- طرح سؤالات: پیشینه ذهنی محقق نسبت به موضوع و گستره معلوماتش در ارتباط با آن، جهت‌گیری و سؤالات او را مشخص می‌کند. شاید اساسی‌ترین مرحله، طرح سؤال به منظور عرضه آن بر قرآن باشد. موضوع اصلی به عنوان یک سؤال کلی در نظر گرفته شده و به سؤالاتی ریزتر تقسیم می‌گردد.

۳-۲- مراجعه به قرآن

در این مرحله قرآن‌پژوه با رجوع به قرآن، خود را فعال در مواجهه با این کتاب شریف قرار می‌دهد و با محور قرار دادن موضوع مورد بحث به گزینش و بررسی آیات در جغرافیای خاص خود می‌پردازد. در نتیجه، با تتبع در قرآن کریم آیاتی که موضوع مورد نظر و مترادفات آن در آن‌ها استعمال شده است، جمع‌آوری می‌گردد.

۱- استخراج آیات (تشخیص - شناسایی): بعد از تعیین موضوع، شناسایی آیات مرتبط با موضوع بسیار مهم است. چراکه ارائه جامع‌ترین تحلیل و تصویر از نگرش قرآن درباره هر مسأله‌ای منوط به بازکاوی همه آیات مرتبط است. زیرا چه بسا با غفلت از یک

آیه، بخشی از منظر و پاسخ قرآن در هاله‌ای از ابهام فرو رود و آنچه عرضه می‌شود، کامل نباشد. همچنین پژوهشگری که درصدد جستجوی معنا و مقصد قرآن است، لازم است برای فهم معنای یک آیه از آیات دیگر نیز کمک بگیرد و از بعضی برای بعض دیگر شاهد بیاورد. (صفره و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۶) نکته قابل توجه این است که برای دوری از سلیقه شخصی در گزینش آیات، با چه فرایندی می‌توان به سراغ شناسایی آیات رفت. برای شناسایی آیات راه‌های مختلفی وجود دارد که عبارتند از: معجم‌های لفظی و موضوعی یا کشف الآیات - تفاسیر به خصوص تفاسیر موضوعی (مانند تفسیر راهنما) - نرم افزارهای رایانه‌ای - مراجعه به کتاب‌های مستقلی که در خصوص آن موضوع نگارش یافته‌اند (مانند آیات الاحکام و اخلاق در قرآن).

۲- مفهوم‌شناسی آیات: قرآن پژوه با بررسی مفردات قرآن، معانی مختلف الفاظ را به دست آورده، معانی حقیقی و مجازی را روشن می‌سازد. پس از روشن ساختن معانی لغوی الفاظ، به معانی استعمالی آن‌ها در قرآن توجه کرده، موارد کاربرد آن‌ها را در کل قرآن تتبع می‌نماید و با مقایسه معانی استعمالی الفاظ در قرآن با معانی لغوی آن‌ها، رابطه و نسبت بین آن‌ها مشخص می‌گردد.

۳- دسته‌بندی آیات: آیات ناظر به یک موضوع پس از استخراج، نیازمند دسته‌بندی روشمندانه است تا اطلاعات و مفاهیم به دست آمده، طبقه‌بندی و کنار هم قرار داده شوند. معیارهای مختلفی برای دسته‌بندی آیات وجود دارد. آیات به حسب ترتیب نزول می‌توانند مرتب گردند. معیار دیگر، سنجش بین آیات و ایجاد رابطه ارگانیک و عضوی بین قضایای مطرح شده با روشن ساختن اصل و فرع مسائل می‌باشد.

۴- تجزیه و تحلیل محتوای آیات: پس از آنکه آیات ناظر به یک موضوع دسته‌بندی شدند و بخش‌های متناسب کنار یکدیگر قرار گرفتند، اکنون نوبت کشف ارتباط آیات با مسأله مورد نظر است. قرآن پژوه در پرتو نتیجه‌ای که توانسته از لایه لای تجارب ناقص بشری حاصل کند، در برابر قرآن می‌نشیند و فارغ از تمام آن‌ها به قرآن رجوع می‌کند. سپس با این مقدمات دست به دامن قرآن شده و با آن به گفتگو می‌پردازد و هدفش این است که موضع‌گیری قرآن را در خصوص آن موضوع کشف کند. (صدر، ۱۴۲۱: ۱۹)

۳-۳- نظریه پردازی

پس از معرفت به مفاهیم آیات برگزیده، نظریه‌پردازی و استنباطات قرآنی با توجه به مفاد قطعی آیات صورت می‌گیرد و قرآن پژوه طی یک فرایند، تئوری قرآنی در زمینه مورد بحث را به دست می‌آورد. البته بایستی متوجه بود که رسیدن به مفهوم آیات و به خصوص استنباط قرآنی نسبت به یک موضوع، نیازمند تبیین و تفسیری تخصصی و اجتهادی می‌باشد، به این معنا که تلاش علمی و معنوی فراوانی را طلب می‌کند. اما در راستای نظریه پردازی دو فعالیت مهم بایستی انجام پذیرد: ۱- استنتاج نظرگاه‌های قرآن با توجه به مدلول آیات: تلاش بر یافتن وجود ارتباط بین معانی و مفاهیم از طریق تجزیه و تحلیل برای این منظور است که یک آمیزه قرآنی به دست آید تا کلیه آن مفاهیم و معانی زیر پوشش و در جایگاه مناسب قرار بگیرد. این آمیزه یا ترکیب و تحلیل، همان چیزی است که امروزه بدان تئوری یا نظریه می‌گوییم. (همان، ص ۲۷) ۲- ارزیابی نتایج با معیارها و قرائن دیگر: مقصود از این معیارها حداقل دو معیار سنت و عقل است. سنت در تمام عرصه‌های قرآنی و عقل در حوزه گزاره‌های عقلانی قرآنی با رعایت اصول و مبانی متناسب با هر یک از آن‌ها می‌توانند به عنوان قرائن درباره آیات قرآن نقش‌آفرینی کنند. (نصیری، ۱۳۸۴: ۱۲)

۴- گزارش حل یک مسأله

با توجه به آنچه درباره مراحل پژوهشگری گفته شد و مطابق با جدول ۱، در این بخش یک موضوع از موضوع‌های اخلاقی عملیاتی‌سازی می‌شود:

جدول ۱- سطوح سه‌گانه حل مسأله

سطوح حل مسأله	گام‌های عملیاتی‌سازی
سطح اول: مقدمات پژوهش	(۱) مواجهه با یک مسأله (۲) مسأله‌شناسی و تبیین آن (ویژه ساختن مسأله) (۳) قرآنی بودن پژوهش (۴) عنوان‌سازی (۵) طرح سوالات
سطح دوم: مراجعه به قرآن	(۱) استخراج آیات (۲) ترجمه آیات (۳) دسته‌بندی آیات (۴) تجزیه و تحلیل محتوای آیات
سطح سوم: نظریه‌پردازی	(۱) استنتاج نظرگاه‌های قرآن (۲) ارزیابی نتایج با معیارها و قراین دیگر

۴-۱- سطوح اول: مقدمات پژوهش

۴-۱-۱- مواجهه با یک مسأله

بحث رشد یا تکامل اخلاقی، مسأله‌ای محوری در مکاتب اخلاقی است که با طرحش، سوالات متعددی ایجاد می‌شود. گاهی سؤال این است که تحول اخلاقی در چه دوره سنی صورت می‌پذیرد؟ این فرایند چگونه باید انجام گیرد؟ گاهی نیز، سؤال اساسی و بنیادین آن است که تحول اخلاقی تحت چه قواعد و ضوابطی است؟ تمرکز پژوهش حاضر، تعیین فرایند تحول اخلاقی است. اصطلاح تحول یا رشد اخلاقی به پدید آمدن فرایندهای روانی انسان در خلال روزها و سال‌ها اشاره دارد که تشکیل دهنده مؤلفه‌هایی می‌باشد که حقیقت آدمی را می‌سازند و نحوه زندگی‌اش را توصیف می‌نمایند. به عبارت دیگر تحول اخلاقی، کامل‌شدنی نفسانی است با سلسله مراتبی بالارونده به سوی پذیرش ارزش‌هایی که از مرز منافع شخصی و جمعی گذشته، جنبه الهی پیدا می‌کند و در نهایت با فطرت انسان مطابق می‌گردد.

۴-۱-۲- مسأله‌شناسی و تبیین آن

اصل تغییرپذیری و تحول اخلاقی انسان، قطعی و بدیهی است ولی محدوده، چگونگی آن تحول و ملاک مرحله‌بندی محل بحث و گفتگو است. پرسش آن است که در مسیر تحول و اخلاقی شدن، می‌توان مقاطعی تصور کرد و به تعیین مراحل پرداخت یا آنکه فقط با یک دگرگونی جهشی، تدریجی یا خطی سر و کار داریم؟ دگرگونی اخلاقی به صورت مرحله‌ای بر این معنا استوار است که تحول اخلاقی در یک فرد طی چندین مرحله اخلاقی متوالی تکامل می‌یابد و این مراحل تابع نظم و قواعد خاصی می‌باشند. اخلاق پژوهی قرآنی حاضر با بررسی آیات قرآن کریم، به دنبال استخراج سلسله مراتب تحول اخلاقی و بازشناساندن مراحل رشد اخلاقی از دیدگاه قرآن است. بنابراین از میان آموزه‌های آسمانی قرآن کریم تنها به آموزه‌هایی می‌پردازد که نظام ارزشی و هنجاری را معرفی می‌نمایند که انسان موظف است اعمال و منش خود را بر اساس آن تنظیم کند و جهت‌یابی کمال و تعالی را در قالب بایدها و نبایدهای اخلاقی از آن دریافت نماید.

۴-۱-۳- قرآنی بودن پژوهش

قلمرو رابطه قرآن و اخلاق بسیار گسترده است و تعالیم اخلاقی قرآن یکی از مهم‌ترین بخشها، بلکه روح کلی جاری قرآن کریم است. با چنین برداشتی می‌توان موضع‌گیری آسمانی را در برابر تجارب بشری به دست آورد و مباحث مختلف مربوط به اخلاق را با استفاده از آیات سامان داد؛ مثلاً می‌توان با بهره‌گیری از نصوص و ظواهر آیات قرآن، مبنای ارزش‌های اخلاقی را کشف کرد و زمینه حصول مراحل تحول اخلاقی یا رشد اخلاقی برگرفته از قرآن را فراهم آورد. البته در قرآن کریم در ارتباط با مسائل اخلاقی، یک تقسیم‌بندی آشکار و یک نقطه شروع خاصی وجود ندارد و حداقل این‌که از ظواهر آیات، چنین چیزی استفاده نمی‌شود. بنابراین هرچند نمی‌توان انتظار داشت که مراحل رشد اخلاقی به طور مستقیم و صریح در قرآن عنوان شده باشد اما یکی از پژوهش‌های مهم در حوزه اخلاق پژوهی قرآنی، کشف و استخراج سلسله مراتب تحول اخلاقی از دیدگاه قرآن است.

۴-۱-۴- عنوان‌سازی

پژوهش حاضر در صدد کشف مراحل رشد و یا تحول اخلاقی از طریق معلوم ساختن ملاک و معیار مرحله بندی می‌باشد و گزارشی از فرایند طبیعی این حرکت، تعداد مراحل، حدود و ویژگی هر مرحله را ارائه می‌دهد. بنابراین توضیح، عنوان مناسب چنین پژوهشی عبارت است از «قرآن پژوهی تحول اخلاقی»

۴-۱-۵- طرح سؤالات

سؤال اصلی: مراحل رشد اخلاقی از دیدگاه قرآن کدام هستند؟
سؤال‌های فرعی: چه چیزی ملاک تعیین یک مرحله است؟ ویژگی‌های هر مرحله چه هستند؟

۴-۲-۲- مراجعه به قرآن

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در بررسی آیات قرآن باید مورد عنایت بیشتری قرار گیرد، تشریح مفاهیم الفاظ و مفردات قرآن در حوزه اخلاق می‌باشد.

۴-۲-۱- استخراج آیات (تشخیص - شناسایی)

مبنای کار، جمع‌آوری و دسته‌بندی آیات اخلاقی قرآن مجید است؛ بدین منظور می‌بایست خود را در چهار چوب ویژه‌ای قرار داده و با طرحی از پیش تعیین شده، به مطالعه قرآن و تدبر در آیات آن بپردازیم و آنچه را در باب مسائل و موضوعات اخلاقی است، فهرست کنیم. در همین راستا معجم‌های لفظی و موضوعی، کشف الایات‌ها و نرم افزارهای کامپیوتری به عنوان ابزارهای جستجو مورد استفاده قرار گرفته و آیات مورد نیاز به دست آورده شدند.

۴-۲-۲- ترجمه آیات

برای ترجمه آیات از مترجمین قرآن می‌توان کمک گرفت که در این پژوهش از ترجمه آقای مکارم شیرازی بیشتر استفاده شده است. بدین ترتیب کلمات کلیدی قرآن مورد تحقیق و بررسی قرار گرفتند تا منظور قرآن درباره آن مفاهیم و مورد کاربردشان کشف شود. این نکته نیز همواره مورد توجه بوده‌است که کلمات در قرآن، هر یک جدای از کلمات دیگر به کار نرفته بلکه با ارتباط نزدیک به یکدیگر مورد استفاده قرار گرفته‌اند و معنای خود را از مجموع دستگاه ارتباطاتی که با هم دارند، به دست می‌آورند. (مه‌دوی‌کنی،

۴-۳-۳- دسته‌بندی آیات

از آنجا که هدف اصلی این پژوهش استخراج مراحل رشد اخلاقی در قرآن کریم است، باید مسیر شناسایی و دسته‌بندی به گونه‌ای باشد که به این هدف برسیم. بنابراین آیاتی که مناسبتی با موضوعات اخلاقی دارند با استفاده از تفاسیر قرآن و مجموعه کتاب‌های «اخلاق در قرآن» شناسایی و در قالب موضوعات زیر دسته‌بندی می‌شوند: ۱- اهمیت اخلاق؛ ۲- زمینه‌های اخلاقی شدن؛ الف) محیط مناسب (ب) معاشران و دوستان صالح (ج) خانواده و وراثت (د) فرهنگ و فضای جامعه؛ ۴- تأثیر رفتار بر اخلاق؛ ۵- تأثیر تغذیه بر اخلاق؛ ۵- فضایل اخلاق فردی؛ ۶- فضایل اخلاق اجتماعی؛ ۷- ردایل اخلاقی فردی؛ ۸- ردایل اخلاقی اجتماعی؛ ۹- گام‌های عملی برای اخلاقی شدن^{۱۲}

۴-۲-۴- تجزیه و تحلیل محتوای آیات

پس از طبقه‌بندی منطقی و کاربردی آیات، نوبت به تحلیل محتوای آن‌ها می‌رسد. از آن جا که آیات برای حل مسأله و پاسخ به سؤال جمع‌آوری شده‌اند، پس باید ارتباط آن‌ها با نیاز و مسأله مورد نظر کشف شود. در بررسی آیات مشخص می‌شود که اخلاق به معنای متخلق شدن در قرآن مجید با عنوان تزکیه مطرح شده است و قرآن رستگاری انسان را وابسته به تزکیه می‌داند؛ منظور از تزکیه رشد و بالا رفتن به وسیله تقواست. (طبرسی، ۱۳۷۵: ۶/۶۴۷) از این رو در آیات ۷ تا ۱۰ سوره شمس، مصداق تزکیه (رشد) یا تدسیه (پوسیدگی) را «نفس» انسان بر می‌شمارد. در آیات بسیاری همچون آیه ۲ سوره جمعه، یکی از اهداف بعثت پیامبر (ص)، تزکیه مردم بیان شده است. در برخی آیات مانند آیه ۱۰۳ سوره توبه، نیز حکمت رعایت احکام را تزکیه عنوان می‌کند. همچنین آیه ۱۸ سوره فاطر تصریح بر این نکته دارد که هر که پاکیزه شد از اخلاق رذیله و دنس معاصی، جز این نیست که متزکی و متطهر شده برای نفس خود، یعنی نفع تزکیه به نفس او عاید می‌شود. (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۱/۲۷)

بنابراین تزکیه فراگیرترین واژه‌ای است که بر اخلاق قرآنی تطبیق می‌کند و قرآن رستگاری انسان را وابسته به تزکیه می‌داند. حال اگر بخواهیم دیدگاه قرآن را راجع به اخلاق و مراحل تکامل آن بشناسیم، باید تزکیه را مورد بحث و تحلیل قرار دهیم. بر همین اساس در گام دوم، واژه تزکیه در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته و آیات مورد نظر شناسایی و تحلیل می‌شوند. آیاتی که کلمه

۱. بقره/ ۱۲۹، ۱۵۱، ۸۳، آل عمران/ ۱۶۴، شمس/ ۹، اعلیٰ/ ۱۴، طه/ ۴۴، لقمان/ ۱۸ و ۱۹، فصلت/ ۳۴.

۲. نساء/ ۹۷، اعراف/ ۱۳۸، نوح/ ۲۷، عنکبوت/ ۵۶.

۳. زخرف/ ۳۶ و ۳۸.

۴. آل عمران/ ۳۳ و ۳۴ و ۳۷، مریم/ ۲۸، تحریم/ ۶.

۵. بقره/ ۱۷۰، اعراف/ ۲۸ و ۸۲، انبیاء/ ۵۲ و ۵۳، زخرف/ ۲۳.

۶. نساء/ ۱۷، توبه/ ۱۰۳، فاطر/ ۸، یونس/ ۱۲، نمل/ ۲۴، کهف/ ۱۰۳.

۷. مائده/ ۴۱ و ۴۲ و ۹۱.

۸. بقره/ ۱۵۳، یوسف/ ۱۸، انبیاء/ ۸۵، ابراهیم/ ۷، لقمان/ ۱۲، توبه/ ۱۲۹، یونس/ ۷۱، احزاب/ ۲۴ و ۳۵، محمد/ ۲۱.

۹. بقره/ ۱۷۸ و ۲۷۳، مزمل/ ۱۰، اعراف/ ۱۹۹، شوری/ ۳۷، یوسف/ ۳۲، صف/ ۴، حدید/ ۲۷.

۱۰. بقره/ ۳۴، نساء/ ۲۷ و ۱۷۲، اعراف/ ۸۵، ص/ ۳۴، عنکبوت/ ۲۹، غافر/ ۲۸، توبه/ ۷۷، یونس/ ۶۹.

۱۱. بقره/ ۱۰۹، نساء/ ۵۴ و ۱۴۸، مائده/ ۲۷، آل عمران/ ۲۴، اعراف/ ۱۲ و ۱۳، نور/ ۱۹.

۱۲. شمس/ ۹ و ۱۰، بینه/ ۵، زمر/ ۱۱، تحریم/ ۸، احزاب/ ۲۳، حشر/ ۱۸، بقره/ ۲۸، توبه/ ۱۱۸.

تزکیه و مشتقات آن را دارند در دسته‌بندی‌های ذیل خلاصه می‌شوند: ۱- تزکیه از اهداف اساسی بعثت پیامبران؛ ۲- تزکیه و الزامات اخلاقی و تشریحی؛ ۳- تزکیه وسیله فلاح و رستگاری؛ ۴- نفس، موضوع تزکیه

۴-۳- نظریه‌پردازی

بعد از تجزیه و تحلیل اطلاعات، برای رسیدن به راه‌حل و پاسخ سؤال، نوبت به فرضیه‌سازی و نظریه‌پردازی می‌رسد.

۴-۳-۱- استنتاج نظرگاه‌های قرآن با مقارنه و چندسونگری به مدلول آیات

تهذیب نفس جایگاه والایی در زندگی انسان دارد و اگر انسان بخواهد رستگار شود، باید خود را تزکیه کند و گرنه از سعادت و رستگاری محروم می‌شود. بنابراین برای دست‌یابی به مراحل رشد اخلاقی، بایستی آیاتی که در آن‌ها از کلمه نفس استفاده شده است را شناسایی و دسته‌بندی کرد. با مرور آیات، مشخص شد نفس و مشتقات آن بارها در قرآن به کار رفته‌اند که از نظر مضمون متنوع می‌باشند و از جهات مختلفی می‌توان آن‌ها را دسته‌بندی نمود. اما با توجه به موضوع پژوهش، این آیات در پنج گروه قابل تقسیم هستند: ۱- حقایق نفس؛ ۲- بایسته‌های نفس؛ ۳- کارکردهای نفس؛ ۴- تعامل با نفس؛ ۵- حالت‌های نفس؛

قرآن به هنگام ترسیم جایگاه (نفس) و (خود) انسانی از (خود)های گوناگون نام می‌برد و علمای اخلاق نیز برای نفس سه مرحله را قائل هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۳۷/۹) و به گفته شهید مطهری: «در حقیقت، آدمی دارای یک روح و یک جان بیش‌تر نیست، ولی انسان در مراحل و مراتب نفس مختلف است که هر یک از این صفات نشان دهنده یک درجه و یک مرتبه از نفس است.» (مطهری، ۱۳۷۰: ۵۹۵/۳) نفس، گاهی در یک حد پایین است؛ آنجا که تحت فرمان عقل نیست، اسمش می‌شود «نفس اماره» و همین نفس در یک درجه بالاتر که هشیار می‌گردد، می‌شود «نفس لوامه» که خودش، خودش را ملامت می‌کند. گاهی به درجه‌ای می‌رسد که به آن «نفس مطمئنه» می‌گویند و این گونه نیست که انسان چند «خود» جدا داشته باشد، یکی کار نفس اماره را می‌کند، یکی دیگر کار نفس لوامه را و دیگری کار نفس مطمئنه را انجام دهد. بلکه انسان دارای یک نفس است که این پله‌ها را طی می‌کند. نفس اماره همان نفس لوامه است و نفس لوامه همان نفس مطمئنه است اما اینها در درجات مختلف هستند، درجاتش هم مربوط به این است که در چه درجه‌ای از توجه، آگاهی، تذکر، صفا، نبودن حجابها و داشتن ایمان و یقین بیشتر و امثال اینها باشند. (همان، ص ۵۹۶) در فرایند اخلاقی شدن، آنچه که تحول می‌یابد نفس و من واقعی انسان است که افعال زیبا و زشت به طور ارادی از او صادر می‌شود و همان هویت شکل گرفته است که تصمیمات و اعمال (و در نهایت، زندگی افراد) را به جهت و هدف معین تجهیز می‌کند و متضمن اتخاذ تصمیم بر اساس ارزش‌های زندگی است. اخلاق، خواه به معنی صرف ملکات نفسانی باشد و خواه به معنایی

۱. جمعه/ ۲، آل عمران/ ۱۶۴، بقره/ ۱۵۱ و ۱۲۹.

۲. توبه/ ۱۰۳، نازعات/ ۱۷-۱۹، نور/ ۳۰ و ۲۸، احزاب/ ۵۳.

۳. شمس/ ۹، اعلیٰ/ ۱۰، طه/ ۷۶. در قرآن، امور متعددی به عنوان اسباب فلاح، مطرح شده‌اند، مانند: ایمان، اقامه نماز، انفاق در راه خدا، یقین به آخرت، جهاد به جان و مال، اجابت دعوت خدا و رسول، زکات، خودداری از بخل، توبه، عمل صالح، صبر، ترک اعمال پلید، ذکر خدا، عبادت، کار خیر... که به نظر می‌رسد، تزکیه مفهوم جامعی است که همه آن امور را در بر دارد، یعنی هر یک از امور فوق، سببی از اسباب تزکیه‌اند که اگر اسباب تزکیه فراهم شود، فلاح هم حاصل می‌شود.

۴. فاطر/ ۱۸، شمس/ ۱-۷.

۵. نساء/ ۱، طارق/ ۴، بقره/ ۲۰۷، قیامه/ ۱۴، حشر/ ۱۹، مؤمنون/ ۱۰۳، طلاق/ ۱، انفال/ ۵۳، عنکبوت/ ۵۷.

۶. مائده/ ۱۰۵، روم/ ۸، حشر/ ۱۸، فاطر/ ۱۸، اعراف/ ۲۰۵.

۷. بقره/ ۲۸۴، طه/ ۹۶، ق/ ۱۶، فرقان/ ۲۱، نازعات/ ۴۰.

۸. اعراف/ ۱۷۲، اسراء/ ۱۴، بقره/ ۲۰۷ و ۱۳۰ و ۴۴ و ۱۸۷ و ۹، نساء/ ۱۱۰، فاطر/ ۳۲، صافات/ ۱۱۳، آل عمران/ ۶۹.

۹. فجر/ ۲۷، قیامه/ ۲، یوسف/ ۵۳.

وسیع‌تر و اعم از ملکات نفسانی تا شامل افعال اختیاری انسان نیز بشود، در هر حال بستگی شدیدی با نفس دارد. (مصباح، ۱۳۷۸: ۲۳/۱) بدین ترتیب از آنجا که موطن اخلاق، نفس است نه جسم، اخلاق از صفات نفس است نه جسم و در نتیجه همان‌گونه که نفس در حال تغییر و تحول است اخلاق نیز در حال تحول است. اخلاق، از وضعیت فروتر به وضعیت برتر گذر می‌کند و تکامل می‌یابد. نگرش تکامل‌باورانه به اخلاق، مقتضی آن است که آن را پدیده‌ای تکاملی بدانیم، یعنی اخلاق در این صورت روندی تکاملی دارد، تکاملی که گوهر زندگی است.

با توجه به آنچه گذشت این فرض از حمایت بیشتری برخوردار است که رشد اخلاقی، به صورت مرحله‌ای بوده و متناسب با مراتب نفس، از سلسله مراتبی عبور می‌نماید. این مراتب سه‌گانه نفس، یعنی نفس اماره، نفس لواحه و نفس مطمئنه، حالت‌هایی هستند که شخصیت انسان در سطوح مختلف رشد اخلاقی به آن متصف می‌شود و از این سه مرتبه، سه اخلاق متفاوت ناشی می‌شود. زمانی که فرد در پایین‌ترین سطح اخلاقی قرار دارد به طوری که لذت‌های مادی بر او مسلطاند، در واقع تحت حاکمیت نفس اماره می‌باشد. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹: ۱۷۱/۴) هنگامی که به بالاترین درجه رشد و کمال بشری می‌رسد تا آنجا که تعادل کامل میان خواسته‌های جسمانی و روانی او برقرار می‌شود، آنگاه به مرحله‌ای رسیده که صفت نفس مطمئنه بر آن تطبیق می‌کند. حد وسط میان این دو مرحله، مرحله‌ای است که انسان نفس خود را نسبت به خطاهایی که مرتکب شده به محاسبه می‌کشد و از ارتکاب کارهایی که موجب خشم خدا و سرزنش وجدان می‌شوند مجدانه امتناع می‌ورزد. (همان، ص ۱۷۳)

۴-۳-۲. ارزیابی نتایج با معیارها و قراین دیگر

هر چند نمی‌توان انتظار داشت که نگاه قرآن به مسأله (مراحل رشد اخلاقی) مانند نگاه روانشناسان اخلاق باشد، زیرا رسالت قرآن، پرداختن به مقوله‌های معرفتی و عملی در خور کتابی آسمانی است و مجال آن ندارد که دغدغه‌های ریز تجربی بشر را به صورت موضوعی، مورد داوری قرار داده باشد. بنابراین بحثی تحت عنوان (مراحل رشد اخلاقی) را در قرآن به طور مستقیم و صریح نمی‌توان یافت ولی از لابه لای مطالب قرآنی می‌توان نمونه‌هایی یافت که نظریه مراحل را مورد تأیید قرار دهد و بر اساس آن نظریه سخن گفته باشد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های مقاله بدین شرح است: ۱) قرآن کریم، منبعی الهی و مطمئن در دسترس پژوهشگران در حوزه‌های مختلف پژوهشی است و بهره بردن از این کتاب آسمانی برای پاسخ به سؤالات و حل مشکلات امری ضروری می‌باشد. ۲) کشف و استخراج دیدگاه قرآن در مورد یک موضوع، نیازمند روشی است که بتواند به صورت عملیاتی گام‌هایی را تعریف و مشخص سازد. در همین راستا در سه مرحله این گام‌ها تعریف شده و قرآن پژوهان می‌توانند با استفاده از این گام‌ها پژوهش خویش را مدیریت کنند.

۳) رویکرد حل مسأله، نسبت به سایر روش‌های قرآن‌پژوهی، از نظم و انسجام بیشتری برخوردار است و کاربردی‌تر بوده و صلاحیت مورد استفاده قرار گرفتن در موضوعات مختلف را دارد. این سبک از پژوهش، نقش ارزنده‌ای در کشف نکات روانی، تربیتی، اخلاقی و اجتماعی آیات قرآن دارد. ۴) بحثی تحت عنوان «مراحل رشد اخلاقی» را در قرآن به طور مستقیم و صریح نمی‌توان یافت، اما در آیات قرآن می‌توان نمونه‌هایی یافت که نظریه مراحل را مورد تأیید قرار داده باشد.

۵) بر این اساس همان‌گونه که در جدول ۳-۲ توضیح داده شده است، در فرایند اخلاقی‌شدن، تغییر با فرایندی نفسانی آغاز می‌شود، به صورت نفسانی تثبیت می‌شود و به صورت نفسانی ادامه می‌یابد. متناسب با حالات سه‌گانه نفس، سه اخلاق متفاوت ناشی می‌شود. زمانی که فرد در پایین‌ترین سطح اخلاقی قرار دارد در واقع تحت حاکمیت نفس اماره می‌باشد و هنگامی که به بالاترین درجه رشد و کمال بشری می‌رسد در مرحله‌ای است که صفت نفس مطمئنه بر آن تطبیق می‌کند. حد وسط میان این دو مرحله نیز مرحله نفس لواحه است.

جدول ۳-۲ توصیف مراحل تکامل اخلاقی

توصیف حالت نفس	مراحل تکامل نفس
نفس اماره نفسی شرور است که با غرایز حیوانی و به قول فلاسفه «قوه غضبیه و قوه شهویه» مناسبت دارد.	نفس اماره «وَمَا أُبْرِيءُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ»
می‌توان نفس لوامه را با «فطرت»، یا غریزه ویژه انسان، تطبیق کرد. بازرسی رفتار انسان با وی است و می‌توان آن را همان «عقل عملی» و ملکه‌ای که «حکمت عملی» در آنست، دانست.	نفس لوامه «وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ»
نفس با پیروی از آموزه‌های الهی و دینی، و سلوک در وادی دشوار زندگی، متصل به حق می‌گردد و به واسطه این اتصال و ارتباط با خداوند، دارای اطمینان و آرامش کامل می‌شود و به هیچ نحو تزلزلی در آن راه پیدا نمی‌کند.	نفس مطمئنه «يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنِّةُ»

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ایازی، محمد علی، (۱۳۶۸ش)، «نگاهی به تفاسیر موضوعی معاصر»، کیهان اندیشه، ش ۲۸، ص ۱۵۱-۱۴۲.
۳. خامه‌گر، محمد، (۱۳۸۹)، «شبکه معنایی موضوعات قرآنی»، پژوهش‌های قرآنی، ش ۶۳-۶۲، ص ۲۳۶-۲۷۱.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۶۹)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی.
۵. شاه‌عبدالعظیمی، حسین، (۱۳۶۳)، تفسیر اثنی عشری، تهران، میقات.
۶. صدر، سید محمدباقر، (۱۴۲۱)، المدرسة القرآنیة، قم، مرکز بررسی آثار شهید صدر.
۷. صفره، حسین؛ مجید معارف و منصور پهلوان، (۱۳۸۹)، «استنطاق قرآن»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، ش ۱، دوره ۴۳، ص ۱۶۳-۱۳۹.
۸. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۵)، جوامع الجامع، ترجمه علی عبدالحمیدی و همکاران، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۹. مصباح، محمدتقی، (۱۳۷۸)، اخلاق در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۰)، مجموعه آثار، تهران، صدرا.
۱۱. معارف، مجید؛ شادی نفیسی و زهرا مقیمی، (۱۳۹۶)، «شأن تعلیمی روایات تفسیری از دیدگاه علامه طباطبایی و اصول تفسیری برگرفته از آن در میزان»، مطالعات تفسیری، ش ۳۲، ص ۱۴۴-۱۲۵.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۶۷)، پیام قرآن، قم، مدرسه امیرالمؤمنین.
۱۳. _____، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. مهدوی کنی، صدیقه، (۱۳۸۸)، ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآن، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۱۵. نصیری، علی، (۱۳۸۴)، «مبانی کلامی تفسیر موضوعی»، اندیشه نوین دینی، ش ۳، ص ۱۰۵-۷۳.
۱۶. نفیسی، شادی، (۱۳۹۵)، «مبانی اختصاصی تفسیر علمی از قرآن کریم»، تفسیر و زبان قرآن، ش ۹، ص ۱۶۸-۱۴۹.